

کارکردهای ارتباطی محرمات احرام از منظر آیات و روایات

محمد مهدوی*

چکیده

انسان در زندگی خویش با چهار گونه ارتباط مواجه می‌گردد. این چهار ارتباط عبارت است از: «ارتباط انسان با خویشتن، هموعان، طبیعت و خدا». در این میان «ارتباط با خدا» دایره گسترده‌تری دارد و عامل اساسی و جهت‌دهنده است؛ یعنی مرجع و محور سایر ارتباطات انسان است و آنها را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. بنابراین، احرام نیز که ترکیبی است از نیت و تلبیه (امر درونی) و پوشیدن لباس (امر ظاهری)، نمی‌توان بدون کارکرد ارتباطی تصور کرد؛ زیرا از سویی محتوای پیام اجتناب از محرمات احرام است و از سوی دیگر، در ارتباطات اسلامی پیام، محوری‌ترین عنصر در ارتباطات است؛ به طوری که بدون آن اصولاً ارتباطی صورت نمی‌گیرد.

کارکردهای مختلفی برای محرمات احرام می‌توان برشمرد؛ ارتباط با خویشتن (شناختی و عملی) ارتباطی پایه‌ای و اساسی است که اگر به طور صحیح برقرار گردد و پیام‌ها، مفاهیم و معانی‌اش به خوبی درک شود، زمینه و اساس ارتباط انسان با خدا، که مقصود اصلی از احرام است، فراهم خواهد شد.

*. فوق لیسانس رشته ارتباطات (گرایش حج و زیارت) دانشگاه قرآن و حدیث

mohamedmahdavi1972@gmail.com

مقدمه

از مهم‌ترین ظرفیت‌های ارتباطی در حین احرام، که متأسفانه در تحلیل و بررسی‌ها مورد غفلت و کم‌مهری قرار می‌گیرد، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و به عبارت روشن‌تر، همین ارتباطات انسانی در خلال اجتناب از محرّمات احرام است. با بررسی و تحلیل آیات و روایات معلوم می‌شود که با الگوگیری از ترک محرّمات، می‌توان از نگاه حداقلی به حج (به‌عنوان عمل عبادی) اجتناب کرد و در یک نگاه کامل‌تر، کارکرد محرّمات احرام را در این زمینه، ایجاد مواسات به واسطه حفاظت از گفتار و کردار دانست؛ زیرا با کنترل غضب و شهوات در زمان احرام، دست‌یابی به یک ارتباط مطلوب با هم‌نوعان، به مراتب آسان‌تر می‌شود.

کلید واژه‌ها: ارتباط انسان با خویشتن، محرّمات احرام، کارکرد محرّمات احرام

حج جنبه‌های ارتباطی زیادی دارد که از نظر اجتماعی قابل بررسی است؛ اما پرداختن به همه ابعاد اجتماعی حج در یک مقاله امکان‌پذیر نیست. از این رو، در این نوشتار به کارکردهای ارتباطی محرّمات احرام، که یکی از ابعاد مهم حج است، می‌پردازیم. هر چند تعداد محرّمات احرام، در منابع فقهی شیعه و سنی، مورد اختلاف است که این اختلاف در اصل حلیت یا حرمت برخی اعمال، یا شمارش محرّمات با عنوان کلی یا تفصیلی است، اما آنچه بین مراجع تقلید شیعه مشهور است، این است که محرّمات بیست و چهار مورد است؛ ۱۸ مورد آن میان زنان و مردان مشترک است، چهار مورد مختص مردان، و دو مورد ویژه زنان است.

احرام از نظر لغوی از ریشه حرم و مصدر باب افعال است و همانند واژه تحریم، معادل منع و بازداشت خویش یا دیگری از کاری است. این واژه به معنای وارد شدن در آنچه که پیش‌تر روا بوده و اکنون ممنوع شده، یا وارد شدن در آنچه حریم آن را می‌بایست نگه داشت، نیز آمده است.

در اصطلاح، احرام به عمل خاصی گفته می‌شود که دارای سه جز است: «پوشیدن جامه احرام، نیت حج یا عمره، تلبیه»؛ با این خصوصیت که شخص، بدون آن، نمی‌تواند به‌عنوان حاجی در مناسک شرکت کند.

میان مفسران و فقها در اینکه احرام یک عمل درونی و قلبی است یا عمل بیرونی و ظاهری و به معنای ورود در اعمال حج است، اختلاف است؛ اما به نظر می‌رسد

ترکیبی از نیت و تلبیه، که امر درونی، و پوشیدن لباس، که امر ظاهری است، باشد. در هر صورت نمی‌توان آن را بدون کارکرد ارتباطی تصور کرد. در ادبیات علوم اجتماعی، کارکرد به معانی مختلف استعمال شده است؛ اثر و نقش، وظیفه، معلول، عمل، فایده، انگیزه، غایت، نیت، نیاز، نتیجه و حاصل، از جمله این کاربردهاست. اگرچه در اکثر موارد، این معانی مکمل یکدیگرند، اما در زمینه‌های مختلف معانی آنها متفاوت است. علی‌رغم تعدد استعمال کارکرد، عام‌ترین معنای آن در جامعه‌شناسی، نتیجه و اثر است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط، فراهم می‌کند.

کارکرد را می‌توان به سه گونه مثبت، منفی و خنثا تقسیم کرد. در اصطلاح علوم اجتماعی، کارکرد مثبت به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآورده شدن یک نیاز یا نیازهای نظام یا نهادی انجام می‌گیرد؛ کارکرد منفی: مجموعه فعالیت‌های مخالف منافع نهاد است؛ کارکرد خنثا: این کارکرد بی‌طرف است؛ نه منفعت دارد و نه ضرر. (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۳۱).

در اینجا منظور، بررسی نقش محرمات احرام از منظر قرآن و احادیث در برقراری و زمینه‌سازی ارتباط مطلوب حجگزار است؛ اما پیش از آن مناسب است که گونه‌های ارتباطی انسان را، که در این پژوهش مد نظر است، برشماریم:

گونه‌های ارتباط انسان

دانشمندان اسلامی، در تشریح نقش دین در ارتباطات انسان، با عنایت به آیات و روایات، چهار گونه ارتباط را نام می‌برند و کارکرد دین را پاسخ به این چهار گونه ارتباط انسان می‌دانند: این چهار گونه ارتباط می‌تواند به ما کمک کند تا کارکردهای محرمات احرام را، بر اساس میزان پاسخی که دین به این چهار ارتباط می‌دهد، تحلیل و بررسی کنیم که عبارت است از:

۱. ارتباط انسان با خویشتن؛
۲. ارتباط انسان با دیگران (هم‌نوعان)؛
۳. ارتباط انسان با طبیعت؛
۴. ارتباط انسان با خداوند.

آقایان جوادی آملی، مصباح یزدی، مرتضی مطهری و محمدتقی جعفری به این روابط اشاره کرده‌اند. جوادی آملی پس از ذکر انواع ارتباطات انسان می‌گوید:

آدمی در رابطه با خویشتن، اولاً باید خود را بشناسد و ثانیاً خود را بسازد و در رابطه با خدا، اولاً به او معرفت پیدا کند و با معرفت به او، به وجودش و صفات علیا و اسمای حسنائش باور پیدا کند و ثانیاً فقط او را اطاعت و عبادت کند؛ و در رابطه با جهان هستی و طبیعت، باید بداند جهان هستی و طبیعت رابطه‌اش با خدا چگونه است و او چگونه باید با جهان هستی و طبیعت رابطه برقرار کند؛ و در رابطه با هم‌نوع نیز باید بداند که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی منشأ حقوق و تکالیف معینی است که انسان در زندگی اجتماعی، با توجه به کرامت و مسئولیت خودش، باید آنها را رعایت کند تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰ش، پاسدار اسلام، شماره ۲۳۵، ص ۷).

پس با توجه به نظر اندیشمندان اسلامی، به تبیین کارکردهای ارتباطی محرمات احرام، از منظر قرآن و حدیث می‌پردازیم؛ چون در این بحث، اجتناب از محرمات احرام، در واقع محتوای پیام الهی است و از سوی دیگر در ارتباطات اسلامی، پیام، محوری‌ترین عنصر در ارتباطات است؛ به طوری که بدون وجود آن، اصولاً ارتباطی صورت نمی‌گیرد، کارکردهای مختلفی را برای محرمات احرام می‌توان برشمرد.

با مراجعه به قرآن و تفاسیر آن، درمی‌یابیم که مهم‌ترین و بیشترین حجم این کتاب آسمانی را کارکردهای پیام‌ها به خود اختصاص می‌دهد تا بشر را به سوی پیامی که دارای کارکردهای مثبت است، سوق دهد. در طول تاریخ اسلام نیز، در روایات و کتب علمای گذشته، وضع به همین منوال بوده است.

عدم شناخت عرصه محرمات احرام باعث شده است گاه پیام ارسال شده، با هدف و خواست پیام‌فرست، همخوانی نداشته باشد و از سوی دیگر، عدم احاطه ارتباط‌گران مسلمان با نقش بی‌بدیل پیام‌ها و کارکردهای محرمات احرام، در بیشتر زمان‌ها، ارتباطات اسلامی حج گزاران را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در صورتی که آشنایی با کارکردهای ارتباطی سالم، صحیح و پرفایده پیام‌های محرمات احرام، همگان را به

شناخت و کاربرد این پیام‌ها رهنمون می‌شود و از تولید و به کار بستن پیام‌های مردود جلوگیری می‌کند. بر این اساس، شناخت کارکردهای ارتباطی محرمات احرام، به حجگزار این امکان را می‌دهد که شالوده ارتباطات خود را بر پایه این پیام‌ها قرار دهد و اطمینان داشته باشد که پیام‌های ارائه شده در ارتباطات او راهگشا، کمال‌آفرین و سعادت‌بخش است.

کارکرد محرمات احرام در ارتباط انسان با خویشتن

یکی از کارکردهای محرمات احرام، فراهم‌سازی زمینه‌ای برای ارتباط انسان با خویشتن، و به اصطلاح علم ارتباطات بسترساز «ارتباط درون‌فردی» است؛ بنابراین احرام، حجگزار را در فضایی که عاری از وابستگی‌ها و دلبستگی‌های دنیوی است، می‌برد و در این موقعیت است که فرصتی می‌یابد تا با خویشتن خلوت کند و درباره‌ی خویش به تفکر و اندیشه پردازد. در خلال این نوع ارتباط، که از آن با عنوان ارتباط شناختی یاد می‌شود، انسان در رابطه با خود به طرح سؤالاتی از خویشتن می‌پردازد. بر اساس آنچه از احادیث و روایات گرفته شده، سؤالاتی که در این جایگاه مهم است، می‌تواند این موارد باشد:

- چرا باید از این موارد اجتناب کرد؟

- این امساک با چه کیفیتی مورد پذیرش واضح آن است؟

- اجتناب از محرمات احرام چه نقشی در زندگی حجگزار دارد؟

انسانی که چنین سؤالاتی دارد، به دنبال یافتن پاسخ‌های درخوری می‌گردد تا بر

اساس آن، در یک بازخورد مناسب، طرحی نو برای فردای خویش در اندازد.

افزون بر ارتباط شناختی، حجگزار با دوری از محرمات احرام، که از میقات صورت می‌گیرد، در وضعیت یک ارتباط عملی با خود قرار می‌گیرد که در آن موظف به رعایت اعمالی در محیط و محدوده‌ای است که حرم نامیده می‌شود. این ارتباط در دو سطح از ابعاد وجودی انسان اتفاق می‌افتد؛ یکی «ارتباط عملی با جسم» و دیگری «ارتباط با روح و روان».

مُحرم، در ارتباط با جسم و فیزیک خویش، موظف می‌گردد که یک سری اعمال و رفتار را برای خود تحریم کند و خود را از ارتکاب آنها برحذر دارد (نظیر تن‌آسایی، لذت‌جویی جنسی، خودآرایی و...) و در رابطه با روح و روان خویش مأمور می‌شود به یک سری پیراستگی «تخلیه» از آفات و رذایل روحی و روانی (نظیر تکبر و دنیادوستی) و آراستگی «تحلیه» به فضایل و حالات روحی و روانی (نظیر تواضع و خشوع) روی آورد.

محرماتی که کارکرد آنها در ارتباط انسان با خویشتن تبیین می‌شود، بیشتر به حوزه امور فردی بر می‌گردد؛ از جمله نگاه کردن به آینه، پوشیدن انگشتر برای زینت، روغن مالیدن به بدن، پوشیدن لباس دوخته و سرمه کشیدن. کارکرد این دسته از محرمات، پرهیز از خودنمایی، ضرورت خود را ندیدن و کنار گذاشتن نفس و نفسانیات است؛ چون وقتی انسان توجه خود را به امری معطوف می‌کند، به طور طبیعی از امور دیگر باز می‌ماند. پس می‌توان گفت خود را دیدن، مانع از ارتباط با خدا می‌شود. از این رو، کفاره آن «لیک» قرار داده شده است تا جبران غفلت از خداوند شود.

پس می‌توان از این گونه اجتناب‌ها به آیین گذار از تعلقات و دلبستگی‌ها تعبیر کرد. انسان طی این آیین، در مرحله اول از علاقه‌مندی‌های خود جدا می‌شود و فاصله می‌گیرد و در مرحله دوم طی تشریفات، مدتی را در فرایند اجرای مراسم در عزلت می‌گذراند؛ و پس از مدتی در مرحله سوم با منزلت و جایگاهی جدید به تعلقات خویش رجعت می‌کند.

ترک محرمات احرام، در زمره مناسک گذار دیده می‌شود و می‌توان مراحل فوق را کاملاً و به طور آشکار در پروسه این تروک نیز مشاهده کرد؛ زیرا مقدمه تحول درونی انسان و تولد دوباره او را تدارک می‌کند و در پایان، این انسان «تحول یافته» را با شأن و منزلتی جدید وارد جامعه دینی می‌سازد و در پروسه گذار، طبق برنامه‌ای دقیق و مشخص، خود را به مرحله دوم تشریف؛ یعنی ورود به جمع «حاجیان» می‌رساند.

کارکرد محرمات احرام در ارتباط انسان با هموعان

محرماتی که کارکرد آنها در ارتباط انسان با هموعان تبیین می‌شود؛ مانند برداشتن سلاح، جدال و فسوق است. این دسته بیشتر ناظر به ایجاد امنیت است و مهم‌ترین کارکرد آنها پرهیز حجگزار از هرگونه دشمنی و خصومت است؛ چه خصومتی که به کمک ابزار محقق می‌شود؛ مانند حمل سلاح، و چه آن دسته از دشمنی‌ها؛ مانند جدال، فسوق و امثال آن، که با زبان و رفتار صورت می‌گیرد.

می‌توان از این دو گونه خصومت، به دشمنی سخت‌افزاری (مانند حمل سلاح) و دشمنی نرم‌افزاری (مانند جدال و...) تعبیر کرد. ممنوعیت دشمنی سخت‌افزاری به دلیل امن واقع شدن این سرزمین است. از طرفی دلایل حمل سلاح می‌تواند وجود دشمن، نداشتن قدرت کافی برای حفظ جان یا آبرو باشد که این دو دلیل (وجود دشمن و نداشتن قدرت) در زمان احرام منتفی است؛ چراکه این مناسک به جهت دوستی با خداوند در سرزمین وحی برپا می‌شود. بنابراین، احساس ناامنی معنایی ندارد؛ چنان‌که خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿أَوْ لَمْ تُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا﴾.

«ما مکه را هم محل امن و هم با برکت قرار دادیم» (قصص: ۵۷).

همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾؛ «هرکس بدان داخل شود

در امان است.» (آل عمران: ۹۷)

امام صادق علیه السلام نیز در مورد امنیت حرم فرمودند:

هرکس به حرم پناه برد، در امان است و هر گنهکاری داخل کعبه شود و بدان پناه ببرد، از خشم خدا در امان است و هر حیوانی که وارد حرم شود، از هرگونه تهدید یا آزاری در امان است تا زمانی که از حرم بیرون رود (وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۳۳۹).^۱

پس پوشیدن سلاح نیز، که در ظاهر کارکرد امنیتی دارد و در واقع امنیت را سلب می‌کند، ممنوع است. شناخت حکمت تشریح امساک در احرام، دارای این تأثیر است که

۱. ﴿مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ مِنَ النَّاسِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَهُوَ آمِنٌ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ وَمَنْ دَخَلَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ كَانَ آمِنًا مِنْ أَنْ يَهَاجَ أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ﴾.

روح، بیشتر از آن لذت ببرد و با انگیزه بیشتری در انجام تکالیف شرعی، اطاعت خداوند و تحقق بخشیدن به حقیقت حج بکوشد. حقیقت حج، در پرتو ارتباطات مثبت محقق می‌گردد و با وجود ارتباط منفی؛ از جمله منت، بخل، ریا و... هر چند صورت عمل انجام شده است، اما ارزشی ندارد؛ زیرا به جز عمل با اخلاص، هیچ عملی ارزش ندارد و برای هیچ مسلمانی در عبادات، معاملات یا اخلاق، جز با اخلاص، فضیلتی نیست. اخلاص در واقع عنصر اصلی اعمال است. یکی از پیامدهای اخلاص، تفاهم حجگزار با دیگر مسلمانان است، آن‌گاه که دل را از کینه و دشمنی آنان پالایش دهد؛ همان‌گونه که خداوند در وصف مؤمنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (حشر: ۲).

«آنان که بعد از ایشان می‌آیند، گویند: «خدایا! ما و برادران مؤمن را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، مشمول آمرزش خویش قرار ده و دل‌هایمان را از کینه مؤمنان تهی ساز. پروردگارا! تویی مهربان و بخشنده.»

به طور کلی، آثار ترک محرمات احرام، کسب تقوا و ایجاد مساوات میان انسان‌هاست که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.^۱ اما به صورت جزئی‌تر، آثار زیر را نیز می‌توان به عنوان آثار ترک محرمات، در ارتباط انسان با هموعان، نام برد:

دینداری در جامعه

از کارکردهایی که می‌توان در اجتناب از محرمات احرام نام برد، تقویت دین است. خداوند این امساک را جعل فرمود تا توده مردم بدان‌جا بیایند و با قطع ارتباط با غیر خدا، باورهای دینی خود را تقویت کنند. جاذبه‌های معنوی این اجتناب به گونه‌ای است که نه تنها مؤمنان و مسلمانان، بلکه هر انسانی را به خود جذب می‌کند. از این رو، است که قرآن، در آیه ۹۷ سوره مائده، به جای به کارگیری واژگانی چون مؤمن یا مسلمان، کعبه را مرکزی برای توده مردم از مؤمن و غیر مؤمن - البته کسانی که کافر و مشرک نیستند؛

۱. ﴿... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ...﴾. (حجرات: ۱۳)

بلکه کسانی که هنوز راهی را بر نگزیده‌اند - دانسته است که می‌توانند با حضور در آنجا خود را به کمال برسانند. اینکه در برخی از آیات مورد بحث، به جای واژه مؤمنین، واژه «ناس» (به معنای توده مردم) آمده، دلیل بر این مطلب است؛ به طور کلی حضور مردم برای امساک و پیروی از نواهی خداوند، باورهای مردم را نسبت به دین و خدا تقویت می‌کند و آنان را برای ادامه راه پیامبران استوار و دلگرم می‌سازد که احرام نیز جزئی از این کل است. از این رو، امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: «خداوند حج را موجب تقویت دین مردم قرار داده است» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۴۶).

چون تقویت دین به معنای افزایش همبستگی اعتقادی است؛ پس کسانی که به جهت اطاعت از خداوند، در این ایام، نواهی را جدی می‌گیرند، میان آنان روابط عاطفی و عقلی افزایش می‌یابد و در راستای امت‌سازی حرکت می‌کنند که افزون بر نقش عبادی محرمات، بیانگر کارکرد اجتماعی آن است.

اندیشه برابری انسانی و عدم احساس برتری

یکی دیگر از تأثیرات ترک محرمات احرام، در نحوه ارتباط با هم‌نوعان، تربیت بر اساس تواضع و خاکساری و لغو امتیازات اجتماعی است؛ زیرا خدای متعال خواسته است از نظر امکانات مادی ظاهری، همه در یک سطح باشند تا الگوگیری در تنظیم امور جامعه، آسان‌تر شود. این آموزه، در خلال تجرد از لباس‌های دوخته و علائم تشخیص‌آفرین به دست می‌آید تا از این رهگذر، به امتیاز معنوی «تقوا» نایل آیند و شکل و ظواهر را معیار برتری ندانند؛ زیرا عدم تفاوت‌ها و برداشتن امتیازات، حتی برای مقطع زمانی کوتاه، نیز به معنای برابری انسانی است. این مسئله موجب می‌شود تا اندیشه برابری انسانی و عدم تفاوت‌های برخاسته از مال و منصب، در میان مردم به‌عنوان یک اصل، جایگزین اندیشه تفاوت‌های نژادی یا برتری بر پایه اعتباریات شود.

این‌گونه شاه و گدا و امیر و رعیت، برابری خود را به دیگری نشان می‌دهند تا تنها معیار برتری نه در دنیا، بلکه در آخرت، تقوا قرار گیرد؛ زیرا تقوا امری درونی است و نمی‌توان بر پایه آن، خود را بر دیگری برتری داد و مدعی شد که چون من از نظر تقوا از دیگری برتر هستم، پس بر او مقدم هستم. این تفکر خود ضد تقواست. پس هیچ کس

در کنار دیگری احساس برتری نمی کند و همه اعتبارات و امتیازات ظاهری از میان می رود. احرام به راحتی این اثر روحی را در انسان پدید می آورد و او را به «مکارم اخلاق»، که هدف بعثت پیامبر اسلام ﷺ است، نزدیک تر می سازد.

مدارا و ملاطفت با همنوعان

احرام، صفت بردباری، تحمل و پرهیز از آزار و جفا به موجودات دیگر را نیز در انسان به ودیعت می گذارد. اگر انسان به این خصایص آگاهانه بنگرد، آن را به مثابه صفاتی شایسته در طول زندگی تلقی می کند و در رفتار اجتماعی او، جز سلم و صلح، نخواهد بود. انسان این گونه به قرب و رضای الهی نزدیک تر می شود و تا حدی رشد می کند؛ چراکه بدی را با خوبی پاسخ می دهد و خشم خود را فرو خورده، از دیگران در می گذرد و با محبت و احسان، دل ها را شکار خویش می سازد. همان گونه که خداوند می فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴).

«و نیکی و بدی هرگز برابر نیستند؛ همواره بدی را با نیکی پاسخ ده تا دشمنان تو، همچون دوستان، گرم و صمیمی شوند.»

کارکرد محرّمات احرام، در ارتباط انسان با طبیعت و عناصر آن

اجتناب از محرّمات دارای ویژگی ممتازی است؛ چراکه بر خلاف سایر آیین های دینی - که در فضای محدودی برگزار می شود - در فضایی بسیار بزرگ و آزاد از هر نوع سقف و حصار می گردد و همین وضعیت، حجگزاران را پیوسته در یک ارتباط تنگاتنگ و ملموس با عناصر و مؤلفه های طبیعت و محیط زیست قرار می دهد. وضع کننده آیین هم، با عنایت به این مطلب، چارچوب ها و قواعدی را برای این ارتباط و تعامل تدارک دیده است که بر اساس آنها چگونه زیستن و نگرستن و ارتباط با طبیعت را به مُحرم آموزش می دهد. این عناصر و مؤلفه های طبیعت را می توان در دو قسم جانداران و غیر جانداران جای داد.

درباره ارتباط با موجودات زنده باید گفت: بر اساس مقررات آیین حج، مُحرم، تا زمانی که در حرم و احرام است، حق هیچ گونه تعرضی نسبت به آنها را ندارد و باید حرمت و امنیتشان را پاس بدارد. بر این اساس، احرام بزرگ ترین درس را به انسان می دهد و حج گزار را از حرمت و احترام موجودات با خبر می کند. پس باید اولاً روحیه تعدی گری نسبت به آنها را کنار گذارد؛ ثانیاً در حفاظت از محیط زیست دریغ و کوتاهی نکند؛ ثالثاً در تعامل با طبیعت به جای نزاع و درگیری در حالت وفاق و همزیستی باشد.

به طور کلی در فرایند مجموعه این امساک، انسان می آموزد که دیدش را به طبیعت تغییر دهد، در این ارتباط به آنها، (اعم از جانداران و غیر جانداران) به عنوان مخلوقات الهی بنگرد و به عبارت قرآن آنها را اممی مانند خود ببیند. این مطلب با مجموعه حرمت هایی که برای حیوانات و نباتات قرار داده شده، همچنین تکریم هایی که برای سنگ ها و آب و... قرار داده شده، قابل ردیابی است؛ در یک کلام مختصر، مُحرم باید در ارتباط با این عناصر، همه آنها را ذی شعور ببیند و بداند که در این آستان و حرم الهی همه این عناصر طبیعی با او در ذکر و عبادت الهی همنا هستند و این همان معنای آیه قرآن است که می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ
وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يَمُنِ بِاللَّهِ
فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ (حج: ۱۸)

«آیا نمی بینی که آنچه در آسمان ها و در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبنده ها و بسیاری از مردم برای خداوند سجده می کنند و بسیاری هم مستحق عذاب می باشند و هر که خدا او را بی ارزش سازد، کسی نمی تواند او را گرامی کند؛ زیرا خداوند هر کاری که بخواهد انجام می دهد.»

بنابراین، حج گزار باید در ارتباط با طبیعت، نگاه خود را به جهان هستی تغییر دهد و بینشی الهی نسبت به عالم طبیعت داشته باشد؛ به عبارت صریح تر، باید عناصر طبیعت را آیات الهی ببیند و از رهگذر ارتباط با طبیعت و عظمت و حکمت خلقت آنها و فواید و منافعشان، به ارتباط با خدا برسد.

شارع مقدس در ارتباط مُحرم با جانداران، مُحرم را مکلف به تعامل با این موجودات در امور و وظایفی کرده است که این تعامل می‌تواند الگو و مدلی برای زندگی انسان و کیفیت ارتباطش با موجودات زنده غیر انسان باشد.

در ارتباط با غیر جانداران نیز مُحرم در تناسب با هر یک از اجتناب‌ها، اغلب با یک یا تعدادی از عناصر طبیعت درگیر می‌شود، در بستر و زمینه آن عنصر، امساک خویش را به جای می‌آورد. این عناصر طبیعی، همان عناصری هستند که در قرآن نیز برجسته شده و از آنها، (همچون ستارگان، باد، کوه، صحرا، بیابان، شب و روز و...) به عظمت یاد شده است.

با توجه به توضیحات فوق می‌توان کارکرد محرماتی مثل کندن گیاه و صید حیوانات را، که در ارتباط انسان با طبیعت تبیین می‌شود، توجه دادن حجگزار به اهمیت محیط زیست، همراهی با طبیعت و لزوم مراقبت از آن دانست؛ زیرا صید حیوانات و کندن گیاهان، به نوعی مخالفت با آثار خداوند است و آثار، بدون پیام نیستند. از این رو، قطع درختان یا شکار حیوانات، به مثابه پارازیت و اخلال در دریافت پیام‌های محیط زیست تلقی می‌شود و هدف فرستنده پیام، که خالق حیوانات و درختان است، صرفاً مبادله پیام بر مبنای رمزگذاری و رمزگشایی نیست؛ بلکه مسئله شناخت و معرفت جایگزین مبادله پیام می‌گردد.

تحریم شکار و از بین نبردن درختان و گیاهان حرم، دو نکته عمده در مقوله «شناخت» آثار هستند. حجگزار در زمان احرام بر آن مراقبت می‌کند که مبادا حیوانی را شکار کرده یا گیاهی را لگدمال کند؛ زیرا برای حفظ اکوسیستم محیط زیست دو محور، که کارکرد اساسی دارد؛ عبارتند از: حفظ نباتات و درختان و حفظ حیات وحش. این دو عامل، که تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند، عمده‌ترین مقوله در حفظ محیط زیست هستند.

مجلسی اول گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۹۷ سوره آل عمران می‌فرماید: وحش و طیور وحشیه، که در حرم هستند یا از بیرون داخل حرم می‌شوند، ایمن هستند؛ یعنی ایمن دارید آنها را از رمانیدن و آزار رسانیدن تا وقتی که به خودی خود از حرم بیرون آیند^۱ (مجلسی، ۱۴۱۴ق. ج ۷، ص ۲۵۴).

۱. «... و من دخله من الوحش و الطیر کان آمناً منان می‌هاج او یؤذی حتی یخرج من الحرم».

نه تنها حیوانات حرم در امانند، بلکه گیاه و درخت و حتی حشرات نیز باید در امان باشند. در بعد اجتماعی نیز ترک صید دارای کارکردهای مثبتی است؛ برای نمونه، اگر صید کردن برای زائران کار مشروعی بود، با توجه به این همه رفت و آمدی که هر ساله و هر ماهه در این سرزمین‌های مقدس می‌شود، نسل بسیاری از حیوانات در آن منطقه - که به دلیل خشکی و کم‌آبی حیواناتش نیز کم است - منقرض می‌شد. پس این دستور یک نوع حفاظت محیط زیست و ضمانت برای بقای نسل حیوانات آن منطقه است. این حکم به قدری دقیق تشریح شده است که نه تنها صید حیوانات، بلکه کمک کردن و حتی نشان دادن و ارائه صید به صیاد نیز تحریم گردیده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

هرگز چیزی از صید را در حال احرام حلال‌شمار و همچنین صید حرم را در غیر حال احرام و نیز صید را به شخص محرم و غیر محرم نشان مده که آن را شکار کند و حتی اشاره به آن مکن (و دستور مده) تا به خاطر تو صید را حلال بشمرد.^۱
بنابراین، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: «یکی از کارکردهای محرمات احرام، ایجاد امنیت واقعی و احساس آرامش در بعد فردی و اجتماعی است.»

کارکرد محرمات احرام در ارتباط انسان با خداوند

احرام در زمینه ارتباط انسان با خدا جایگاه رفیعی دارد و اساساً سایر ارتباطات انسان در حج، در سیطره و چنبره این ارتباط جای می‌گیرد. احرام از رهگذر هر یک از موارد محرمات، مُحرم را به خداوند پیوند می‌دهد و به او رهنمون می‌شود. برخی از این «اجتناب‌ها عبارت بودند از: اجتناب از بوی خوش، جدال، فسوق، استغلال، شکار، حمل سلاح، استمنا، چیدن ناخن، عقد کردن و...» که هر یک از اینها به طور نمادینی، انسان محرم و عبد را با معبود خویش مرتبط می‌کند.

مُحرم از رهگذر هر یک از این اجتناب‌ها، پیام‌هایی را در ارتباط با معبود خویش دریافت و ارسال می‌کند؛ برای مثال با کندن و درآوردن لباس‌های معمولی خویش - که نشانگر تشخیص موقعیت، شغل، طبقه اقتصادی و... اوست - با پروردگارش عهد می‌بندد

که لباس عصیان و نافرمانی، پرستش و اشتغال به امور دنیا و لذت‌ها و زینت‌های فریبا و زودگذر را کنار گذارد و آمده است تا در عهدی مجدد، با پوشیدن لباس احرام، لباس طاعت و فرمان‌بری و لباس تعظیم خداوند را به تن کند. در یک کلام، با پوشیدن لباس احرام، برای ارتباط با خالق و قطع ارتباط با هر چیزی که حجاب این ارتباط است، اعلام آمادگی می‌کند.

خلاصه اینکه در مجموع، پیام و مفهومی که انسان از رهگذر این امساک به خدای خویش منتقل می‌کند، پیام سرسپردگی و بندگی و اعلام آمادگی برای انجام فرامین و مطلوبات الهی است. در قبال اینها حجگزار پیامی از خداوند (از زبان پیغمبر ﷺ و اولیای الهی علیهم السلام) دریافت می‌کند و موجب فراغت روحی و آرامش خاطرش می‌شود که عبارت است از: «آمرزش گناهان، حصول رضایت پروردگار، ثواب و توشه‌ای برای منزلگاه جاودان و...».

کارکرد عمده محرماتی که در ارتباط انسان با خداوند تبیین می‌شود (مانند استفاده از بوی خوش، عقد کردن، کامجویی جنسی، ترک سایه قرار دادن بالای سر در حال حرکت و...) در رابطه با ترک لذت‌های دنیایی و کنترل نفس از دستیابی به آنهاست؛ مثلاً در حال احرام هرگونه لذت شهوانی از جنس مخالف، حتی همسر، حرام است. در حدیث زیبایی از امیرمؤمنان (علیه السلام) روایت شده است که رمز و راز منع مُحرم از بوی خوش آن است که خداوند می‌خواهد به بنده‌اش بفهماند که باید مانند مرده، هرگونه اراده و اختیار را در زدودن دشواری‌ها از خود دور کند و با تفکیک آسودگی از آرامش و ترک سعی در ایجاد آسودگی، ابزار آرامش خود را یقین به وعده‌ها قرار دهد. از این رو، فرمودند:

«لَا تُجْمَرُوا الْأَكْفَانَ وَلَا تَمْسَحُوا مَوْتَاكُمْ بِالطَّيِّبِ إِلَّا بِالْكَافُورِ فَإِنَّ الْمَيْتَ بِمَنْزِلَةِ الْمُحْرَمِ».

«کفن‌ها را بنخور ندهید و مردگان خود را با عطر معطر نکنید، مگر با کافور؛ زیرا مرده به منزله مُحرم است که نباید معطر شود» (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ح ۱۴۷).

البته کارکرد آموزشی تمامی محرمات احرام، به ویژه حرمت عقد، نیز قابل انکار نیست؛ زیرا نباید در این حال شاهد شهوت بود. از طرفی چهره‌گشایی زن، که به او دستور به این امر داده شده، آموزش تقوا برای زن و مرد است و صبر در برابر گناه است تا آن را دستاورد حج برای زندگی خود قرار دهند.

مهم‌ترین کارکرد تقویات ارتباط انسان با خداست؛ به‌طوری که برقراری این ارتباط هدف نهایی حجگزار گردد و سه‌گونه ارتباط دیگر به‌عنوان هدف ابتدایی و در جهت تحقق هدف نهایی باشد. در کتاب «جرعه‌ای از صهبای حج» این‌گونه آمده:

«احرام بستن، آن‌گونه که در بیان نورانی امام سجاد علیه السلام آمده، بدین معناست که: خدایا! ارتباطم را از غیر تو گسستم. پس این پیمان بستن، «حَلّی» نیز به همراه دارد و آن گسستن از غیر خداست؛ یعنی ابتدا گسستن از غیر خدا و آن‌گاه پیوستن به لطف حق است...» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴).

ارتباط با خدا در حقیقت هدف اصلی ارتباطات بوده و سایر ارتباطات، متأثر و مقدمه این قسم از ارتباط هستند. این مطلب در جای‌جای آیات مربوط به مناسک حج مورد تأکید قرار گرفته است؛^۱ به عبارت دیگر، سایر ارتباطات انسان هم از این زاویه معنادار می‌شود. محرّمات احرام هم از این قاعده مستثنا نبوده و یکی از اساسی‌ترین ابعاد آن، بعد ارتباط با خداست: «ارتباط با عالم ماوراء، ارتباط مخلوق با خالق و ارتباط عبد با معبود»؛ همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، امام رضا علیه السلام اولین خصوصیت حج را همین امر ذکر می‌کند و می‌فرماید: «آنچه موجب وجوب حج گشته، سفر معنوی به سوی خداوند - عزّوجلّ - است.» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۹۰)

پس نمی‌توان این سفر معنوی را بدون تعامل دوسویه تصور کرد.

آثار و بازخورد ارتباط با خدا (ارتباط دوسویه)

ارتباط با خدا در زمان احرام یک‌سویه نیست، بلکه از دو طرف پیام‌هایی ارسال می‌شود؛ این ارتباط از طرف خداوند متعال، با دعوت از بندگان برای حضور در حج آغاز می‌شود (حج: ۲۷)، سپس بندگان پیام الهی را دریافت می‌کنند و دعوتش را پاسخ

۱. «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ»؛ «پس هرگاه مناسک خود را تمام کردید، خدا را یاد آرید، آن‌طور که در جاهلیت بعد از تمام شدن مناسک، پدران خود را یاد می‌کردید، بلکه بیشتر از آن اینجاست که بعضی می‌گویند: پروردگارا! در همین دنیا به ما حسنه بده، ولی در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند.»

می‌گویند. در ادامه خداوند متعال برای لیبک گویان و مشتاقان به ارتباط با او، پاسخ‌ها و هدایایی را در نظر می‌گیرد؛ به طور مختصر، برخی از مظاهر این ارتباط دوسویه و هدایای الهی به حجگزاران، از قرار زیر است:

* آموزش گناهان

آموزش همه گناهان، از مهم‌ترین دستاوردهای ارتباط با خدا در حج است. خداوند با تأکید بر این مسئله، مردمان را برای انجام آیین‌های حج ترغیب و تشویق می‌کند و با این بشارت و هدیه بزرگ، به ارتباط گرانس پاسخ داده و واکنش نشان می‌دهد. لذا می‌فرماید:

و خدا را یاد کنید (به ذکر تکبیر) در چند روزی معین (ایام تشریق)، پس هر که شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناه نکرده و هر که تأخیر کند نیز گناه نکرده. این حکم برای کسی است که [از هر گناه یا از محرّمات احرام] پرهیزکار بوده است و از خدا بترسید و بدانید که به سوی خدا باز خواهید گشت (بقره: ۲۰۳).

با توجه به این آیه، نفی گناهان به چیزی جز انجام کامل مناسک حج و تقوای الهی مشروط نشده است. بنابراین، مقصود این است که هر کس اعمال حج را تام و تمام به جا آورد، آمرزیده می‌شود و دیگر گناهی بر او نیست تا در قیامت بازخواست شود و اجتناب از محرّمات احرام هم شرط صحت است و جزئی است که بدون آن کمال حاصل نمی‌شود. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

«معلوم است که باید این تقوا پرهیز از چیزی باشد که خدای سبحان در حج از آن نهی کرده و نهی از آن را از مختصات حج قرار داده؛ پس برگشت معنا به این می‌شود که حکم نامبرده تنها برای کسی است که از محرّمات احرام یا از بعضی از آنها پرهیز کرده باشد.» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۲۱).

به هر حال این، تحفه و فضلی است که خداوند متعال با آن از انسان مُحرم به عمل می‌آورد و یکی از تأثیرگذارترین شیوه‌های تبلیغاتی است که خداوند با آن، مخاطب را برای ارتباط و پیوند با خویش فرا می‌خواند.

* ذکر و یاد خدا

محرمات احرام به گونه‌ای سامان یافته است که مردم را به سوی خدا توجه دهد و در مسیر کمال و تقرب بیندازد؛ بر این اساس می‌توان گفت: همه محرمات احرام، در یک نظر کلی و جامع، آموزه‌هایی هستند که موجبات ذکر الله و یادکرد وی را در دل‌ها فراهم می‌کنند و انسان را از غفلت و فراموشی باز می‌دارند. با این همه، به سبب تنوع کارکرد و آثار هر یک از آموزه‌های وحیانی، می‌توان آنها را درجه‌بندی کرد و هر یک را در سطح خاصی قرار داد. برخی از آنها در این امر از کارکردی قوی‌تر و تقرب‌زایی بیشتری برخوردارند و برخی دیگر کارکرد ضعیف‌تری دارند. میان آموزه‌های وحیانی و اعمال و مناسک دینی، محرمات احرام سطح بالاتری دارد و آدمی را به شکل مستقیم با خداوند و یادکرد او ارتباط می‌دهد.

* رضایت و خشنودی خدا

آدمی تلاش دارد تا همواره رضایت خداوند را به دست آورد؛ خداوندی که قدرت کامل و مدیر و مدبر هستی است و هیچ چیز از دایره قدرت و حکومت او بیرون نیست. شناخت راه‌های خشنودی خداوند همواره از دغدغه‌های بشر بوده است؛ زیرا می‌دانسته که قدرتی فراتر از طبیعت وجود دارد که جهان را تدبیر می‌کند. قربانی کردن برای خدایان و ربّ‌الانواع، از نمونه‌های رضایت‌جویی بشر است. قرآن بیان می‌کند که یکی از بهترین سازوکارها برای جلب رضایت خداوند، انجام مناسک حج است. کسی که در جستجوی فضل و رحمت فزونی‌تر از خداوند است و می‌خواهد به خشنودی خداوند دست یابد. می‌بایست حج کامل و واقعی را به جا آورد (مائده: ۲). در تحلیل قرآن، رضوان الهی همواره برتر از هر هدفی بوده است (توبه: ۷۲).

بدیهی است دریافت پاسخی مبنی بر خرسندی و رضایت از طرف خداوند، بیانگر این است که حجگزار در ارتباطش با خداوند موفق بوده و توانسته آن‌طور که شایسته است، افعال و اعمال خویش را به خوبی به محضرش ارسال کند.

* توشه برداری برای آخرت

از آن جا که حج گزار واقعی، خود را از بار گناهان پیشین رها نیده است، از همان آغاز، اعمال خیر را جایگزین می کند و ره توشه نیکو برای سفر آخرت خویش برمی دارد. هر یک از اعمال و نواهی، از جمله ترک محرمات احرام، افزون بر اینکه او را از گناهان پیشین می رهند، خیر و برکتی است که همراه وی می شود تا او را در ادامه راه یاری رساند. لذا خداوند در یک ارتباط و عکس العمل متقابل، به ارتباط گران در آیین حج پیام می فرستد که «من از هر کار خیری که انجام می دهید، آگاهم» و از آنها می خواهد که آن را ره توشه راه و رستاخیز قرار دهند (حج: ۲۷-۳۰).

* تقویت ایمان

یکی دیگر از آثار ارتباط موفق با خداوند، تقویت دین ارتباط گر است. خداوند، کعبه و خانه خود را مرکزی قرار داده است تا توده مردم بدان جا بیایند و در ارتباط مستقیم با خود، باورهای دینی خود را تقویت کنند. از این روست که خداوند در یک تبلیغات همگانی برای مردم اعلام می کند که کعبه و حج را مایه استواری و تقویت آنان قرار داده است (مائده: ۹۷).

حضور مردم در کنار کعبه در حال احرام و اجرای مناسک و آیین های حج، باورهای مردم را به دین و خدا تقویت می کند و آنان را برای ادامه راه پیامبران علیهم السلام استوار و دلگرم می سازد. امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «خداوند حج را موجب تقویت دین مردم قرار داد» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۲۵۵).

* استجاب دعا

امام صادق علیه السلام با اشاره به ارتباط دوسویه حج گزار با خدا می فرماید: حاجی و معتمر (عمره گزار) میهمان خدایند. اگر درخواستی کند، عطا فرماید و اگر دعا کنند و او را بخوانند، اجابتشان کند و اگر از کسی شفاعت کنند، شفاعتشان را بپذیرد و اگر هم سکوت کنند و چیزی نخواهند، [میزبان کریم] خود ابتدا، بذل عنایت فرماید و در ازای هر درهم، هزار هزار درهم عوض دهد (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۲۵۵).

نتیجه‌گیری

یکی از اهداف بسیار والای ترک محرمات احرام، ارتباط حجگزار با خویشتن است؛ یعنی انسان در خلال اعمال عبادی، علاوه بر اینکه ثمرات زیادی به دست می‌آورد، به ارتباط با خود نیز نایل می‌شود. ارتباط انسان با خود در ترک محرمات، از لحظه‌ای آغاز می‌شود که انسان از علایق و تعلقات خویش فاصله گرفته و خود را در فرایند یک کناره‌گیری و دل‌کندن قرار می‌دهد و با خود قرار می‌گذارد برای مدتی، با بسیاری از علاقه‌مندی‌ها و چیزهایی که مدت‌ها با آنها انس پیدا کرده است، خداحافظی کند؛ چرا که همه اینها زینت‌بخش و فریبا بوده و چه بسا انسان را از خویشتن خویش غافل می‌کند.

ترک محرمات احرام نماد بریدن از این علایق و وابستگی‌های شخصی و طبیعی است و انسان، وقتی از یک روند معمول و روال عادی جدا شود، زمینه رشد و گسترش فکر و اندیشه و فراگیر شدن علایق و عواطف او فراهم می‌گردد؛ زیرا در این مجال، فرصتی پیدا می‌کند تا مدتی با خود خلوت کند؛ به همین دلیل است که حج افضل و برتر از نماز و روزه دانسته شده است.

ایجاد ارتباط و پیوند بین انسان و طبیعت از دیگر کارکردهای محرمات احرام است و این به خاطر وضعیت و محدوده جغرافیایی سرزمینی است که امساک در آن صورت می‌گیرد. این فضای جغرافیایی در دامنه‌ای به وسعت یک شهر است که از آن به‌عنوان «حرم» یاد می‌شود.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲ جلد، نشر جهان، تهران.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، جرعه‌ای از صهبای حج، مشعر.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰ش، پاسدار اسلام، شماره ۲۳۵.

۵. ریتزر، جورج؛ ۱۳۸۲ش، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ هفتم.
۶. طباطبایی (علامه)، محمد حسین، ۱۳۷۴ش، المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین.
۷. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، التفسیر (تفسیر عیاشی).
۸. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵ق، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، موسسه دار الهجره.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵ش، الکافی.
۱۰. مجلسی، محمدتقی، ۱۴۱۴ق، لوامع صاحب قرانی (مشهور به شرح فقیه)، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

